

The Foundation of Criminalizing Environmental Crimes in Iran: Emphasizing the Principle of Harm and Its Evolution

Shirin Bayat* 

Ph.D. in criminal law and criminology,
University of Tehran, Tehran, Iran

Yazdan Seighal 

Ph.D. in criminal law and criminology,
university of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Abstract

The right to a healthy environment, closely tied to fundamental rights such as the right to life, has been widely recognized in various legal systems and international instruments. The importance of safeguarding and protecting the environment is universally acknowledged. Today, environmental protection has become a primary goal for the global community, reflected in the constitutions and legal frameworks of over 110 countries. These laws enshrine the right to a healthy environment or emphasize the necessity of environmental protection. This commitment is not limited to domestic

* Corresponding Author: shirinlaw@gmail.com

How to Cite: Bayat, S. and Seyghal, Y. (2024). The Foundation of Criminalizing Environmental Crimes in Iran: Emphasizing the Principle of Harm and Its Evolution. *Journal of Criminal Law Research*, 12(47), 83 - 114. □□□:

۱۰.۲۲۰۵۴/□□□□.۲۰۲۵.۷۹۷۵۸.۲۶۷۱

legislative measures; many international instruments have made environmental protection a key priority.

Iran has also recognized the significance of environmental protection and has supported this cause through numerous legislative actions. Since the Islamic Revolution, the right to a healthy environment has been enshrined in Article 50 of the Iranian Constitution, with the protection of the environment being regarded as a public duty. To fulfill this responsibility, the Iranian legislature has implemented various measures. However, in some areas, these efforts have adopted a criminal and punitive approach, acknowledging the limitations of administrative and civil enforcement in safeguarding the environment and preventing harmful actions. This raises an important question: while protecting the environment, whether for its intrinsic value or for human benefit, is a worthy and desirable goal, does this alone justify criminal intervention?

Criminalization delineates the boundary between prohibited behavior and individual freedoms. Any criminal intervention, including criminalization and sentencing, inherently restricts individual rights and freedoms. Therefore, limiting individual freedom through criminalization requires clear justification. Governments must base their criminalization actions on specific principles and rationale to justify the restriction of citizens' freedoms. This article aims to explore the underlying basis of criminalization in Iran's environmental laws, specifically in relation to the criminalization of certain environmental behaviors.

To address this, the article begins by examining one of the most significant principles of criminalization in legal systems: the principle of harm. John Stuart Mill, in his influential work *On Liberty*, argues that the only legitimate purpose for exercising power over individuals against their will is to prevent harm to others. Mill asserts that

individuals should not be punished for actions that do not harm anyone. This principle of harm forms the cornerstone of the liberal model of criminalization.

Mill's interpretation of harm focuses on violations of rules essential for society's survival, which harm the vital interests of others. However, this definition raises several questions in the context of environmental crimes. For instance, in order to convict someone, must their behavior result in actual damage to the environment, or is it sufficient for the behavior to merely present a risk of harm? Relying exclusively on the principle of harm as a requirement for actual and tangible damage to the environment overlooks behaviors that pose a threat to the environment but have yet to cause direct harm. This limitation weakens the ability to protect the environment effectively. In the postmodern 21st century, often described as a "risky society," the principle of caution has emerged as an essential component in criminal law, especially in areas that are critical and vulnerable, such as the environment. The principle of caution emphasizes the need for rational and foresighted thinking, aiming to avoid both intentional and unintentional risks. This shift in perspective has prompted changes in the interpretation of harm. In the American legal context, the development of the harm principle in Feinberg's theory expands its scope, suggesting that harm is not limited to inherently damaging behaviors. Instead, it now encompasses behaviors that present a real or abstract risk of endangerment to the environment.

This broader understanding of harm includes both real and abstract endangerment, allowing for the criminalization of actions that may not cause immediate harm but still pose a significant risk to the environment. By incorporating the principle of precaution, criminal law can better address environmental threats before they result in irreversible damage. This shift reflects a more proactive approach to

environmental protection, ensuring that harmful behaviors are addressed in advance, rather than waiting for tangible damage to occur.


In conclusion, while the principle of harm has traditionally been a guiding rationale for criminalization, its application in environmental law must evolve. The inclusion of the precautionary principle, along with an expanded concept of harm, provides a more effective framework for addressing environmental risks. This approach ensures that criminalization is not restricted to cases of actual harm but also extends to behaviors that present potential threats to environmental integrity, aligning with the global need for proactive and comprehensive environmental protection.

Key words: Environment- Criminalization- Principle of Harm- Risk of Causing Harm -Endangerment




مبنای جرم‌انگاری جرایم زیست محیطی در ایران با تأکید بر اصل ضرر و تحولات آن

دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

شیرین بیات * 

دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

یزدان صیقل 

چکیده

امروزه حق بر محیط زیست سالم در پرتو حقوق بنیادینی چون حق حیات، در بسیاری از نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و اهمیت توجه و پاسداری از آن بر کسی پوشیده نیست. اما این سؤال مطرح است که آیا پاسداری از هر گونه حق ارزشمند و بنیادین، توجیه‌کننده‌ی مداخله‌ی کیفری و توسل به ضمانت‌اجراه‌های کیفری در پاسخ به نقض آن می‌باشد یا آنکه رفتارها و اقدامات علیه محیط زیست نیز از لزوم توجیه‌ایجابی و سلبی مداخله‌ی کیفری و جرم‌انگاری مستثنی نبوده و ورود قانونگذار به این حوزه نیز مستلزم تبیین اقدام بر اساس مبانی جرم‌انگاری خواهد بود و چنانچه پاسخ به این پرسش مثبت باشد، آیا پیروی از همان مبانی رایج و سنتی جرم‌انگاری نظیر اصل ضرر در حمایت از این حق کافی خواهد بود یا آنکه برخی مفاهیم آن نیازمند بازنگری به مفهوم عدم اکتفا به ضرر عملی و توسعه‌ی این مفهوم به خطر ایراد ضرر می‌باشد. در این پژوهش تلاش شده تا در راستای پاسخ به همین پرسش‌ها، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی رویکرد قانونگذار داخلی در جرم‌انگاری در پرتو اصل ضرر و تحولات مفهومی این اصل در حوزه محیط زیست بررسی شود.

کلیدواژه‌ها: محیط زیست، جرم‌انگاری، اصل ضرر، خطر ایراد ضرر.

مقدمه

افزایش جمعیت، تسریع روند شهرنشینی و حجم سنگین تردهای درون‌شهری، توسعه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و تخلیه‌ی فاضلاب‌های صنعتی و رها کردن نظارت‌نشده‌ی سایر پسماندهای شهری و صنعتی در محیط زیست، دغدغه‌های زیست‌محیطی را روز به روز پررنگ‌تر ساخته و عزمی جدی را برای مقابله با رفتارهای تهدیدکننده‌ی سلامت و حیات آن می‌طلبد. امروزه پاسداری از محیط زیست و حفظ سلامت آن به یکی از اهداف اصلی جامعه‌ی جهانی تبدیل شده است، به گونه‌ای که تعقیب این هدف در قوانین اساسی بیش از ۱۱۰ کشور جهان به عنوان حق بنیادین برخوردار از محیط زیست سالم یا ضرورت حفظ محیط زیست به چشم می‌خورد (مشهدی، ۱۳۹۲: ۷۷). این امر منحصر به اقدامات قانونگذارانه‌ی داخلی نبوده و اسناد بین‌المللی متعددی تعقیب این هدف را در دستور کار خود قرار داده اند که برای نمونه می‌توان به اعلامیه‌ی توسعه‌ی پایدار ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)، کنوانسیون تغییرات اقلیمی (۱۹۹۲)، کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و اعلامیه‌ی محیط زیست و توسعه‌ی ریو (۱۹۹۲) اشاره کرد.

در دنیایی که مفهوم امنیت به یکی از اهداف کلیدی در قلمرو قانونگذاری و ارزیابی توسعه‌ی جوامع تبدیل شده است، امنیت زیست‌محیطی، توسط مرکز توسعه‌ی سازمان ملل متحد به عنوان یکی از هفت مؤلفه‌ی امنیت انسانی به رسمیت شناخته شده است (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۳). در این میان، قانونگذار داخلی نیز دور از این عرصه نمانده و در راستای اقدامات تقنینی متعدد به حمایت از این مهم پرداخته است. از ابتدای انقلاب اسلامی در راستای اساسی‌سازی هنجارها و حقوق بنیادین بشری، حق برخوردار از محیط زیست سالم در اصل پنجاهم قانون اساسی منعکس گردیده و حمایت از آن رسالتی بر دوش همگان عنوان شده است. به موجب این اصل «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». در راستای ایفای این وظیفه‌ی همگانی، قانونگذار داخلی به اقدامات تقنینی متعددی متوسل شده است که در برخی زمینه‌ها با اذعان به ناکارآمدی ضمانت‌اجراهای اداری و مدنی در حفاظت از

محیط زیست و پیشگیری از اقدامات علیه آن، این اقدامات، چهره‌ی قهرآمیز و کیفری به خود گرفته است، امری که یک پرسش مهم را به ذهن متبادر می‌کند؛ گرچه پاسداری از محیط زیست، چه به دلیل ارزش ذاتی آن چه به منظور بهره‌برداری و انتفاع انسان، امری ارزشمند و مطلوب است، اما آیا پاسداشت هر امر ارزشمندی، رسالتی بر دوش حقوق کیفری است یا آنکه مداخله کیفری در این حوزه نیز نفیاً و اثباتاً مستلزم توجیه بر اساس مبانی جرم‌انگاری است؟

به نظر، اهمیت و ارزشمندی یک هنجار یا حق بنیادین، قانونگذار را از ضرورت پاسخگویی به پرسش‌های مهم مطروحه در توجیه جرم‌انگاری برخی رفتارهای شهروندان و مشروعیت‌بخشی به این اقدامات تقنینی معاف نخواهد کرد. جرم‌انگاری، مرز تعیین‌کننده‌ی قلمرو حقوق کیفری و رفتارهای ممنوعه از قلمرو آزادی‌های فردی یا سایر رفتارهای تحت حاکمیت تدابیر غیر کیفری است که پیامد استقبال بی‌رویه و ناموجه از آن تنگ‌تر شدن کمند آزادی‌های شهروندی و توسعه‌ی قدرت انحصاری دولت‌ها خواهد بود. بی‌تردید هرگونه مداخله‌ی کیفری در قالب جرم‌انگاری و تعیین مجازات، محدودیتی بر حقوق و آزادی‌های فردی به شمار می‌آید و از آنجا که اصل بر اباحه است و جرم‌انگاری، رفتاری خلاف این اصل، از این رو هرگونه اقدام به تحدید آزادی افراد در قالب جرم‌انگاری، نیازمند دلیل و توجیه می‌باشد. مداخله‌ی کیفری، رفتاری به شدت پرهزینه است که پرداخت بهای آن تنها متوجه شخص مجرم نیز نخواهد بود، امری که تحت عنوان کمانه‌ای بودن مجازات در جرم‌شناسی بدان اشاره می‌شود (بیات، لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۸۱).

همان‌گونه که گفته شد، توسعه‌ی قلمرو حقوق کیفری به موازات تحدید آزادی‌های شهروندی، توسعه و پیشروی قدرت انحصاری دولت‌ها را در پی دارد، امری که همواره بیم سوءاستفاده از آن نیز وجود دارد؛ پس باید منطقی‌متقن در پس هرگونه جرم‌انگاری وجود داشته باشد که ضرورت چنین مداخله‌ای را با همه‌ی پیامدهای نامطلوب آن توجیه کند. امری که از آن تحت عنوان اصل حداقلی بودن مداخله‌ی کیفری، اصل صرفه‌جویی کیفری یا تکمیلی بودن حقوق کیفری یاد می‌شود که فهم عمیق آن از یکسو مستلزم تعیین

مرز مداخلات مجاز دولتها در پرتو درک خودمختاری و آزادی مثبت و منفی شهروندی^۱ و از سوی دیگر تأیید وجود تنوع ابزارهای کنترل گر و منحصر نبودن پاسخها به مداخلات کیفری است.

ضرورت توجیه مداخلات کیفری برای مهار انحراف و زیاده‌خواهی دولتها، به گونه‌ای که ضامن حقوق و آزادی‌های فردی بوده و با ملاحظات فایده‌گرایانه و عادلانه مانع از تحمیل هزینه‌های گزاف مداخلات کیفری بر جامعه باشد، به شکل گسترده‌ای مورد تأیید قرار گرفته و صرف اهمیت یک حق و ضرورت پاسداشت آن، شرط کافی و لازم برای این گونه مداخلات محسوب نشده و به این اقدامات رنگ مشروعیت نمی‌بخشد. محیط زیست نیز حتی با وجود ارزشمندی قابل توجه آن برای ادامه‌ی حیات بشر از این امر مستثنی نبوده و از همین رو سیاست حداقلی بودن مداخله‌ی حقوق کیفری توسط برخی کشورها در این حوزه نیز با وجود اهمیت قابل ملاحظه آن دنبال شده است،^۲ چراکه حتی با وجود ارزشمند بودن یک حق و ضرورت مداخله‌ی قانونگذار در حمایت از آن، باز هم ضمانت‌اجرای کیفری به عنوان آخرین چاره زمانی موضوعیت می‌یابد که دو ابزار کنترل گر تقنینی دیگر یعنی ضمانت‌اجراهای مدنی و اداری در دسترس نبوده و کارآمد نباشند (آشورث، ۱۹۹۹: ۳۵). در نتیجه مداخلات کیفری باید صرفاً ناظر بر شدیدترین انواع تعدیات نسبت به مصالح و منافع فردی و اجتماعی بوده و سایر رفتارهای نامطلوب، مشمول پاسخ‌های مدنی و اداری باشند (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۵). در حقیقت، وجود دلایلی مبنی بر توجیه مداخله‌ی دولتها، به منزله‌ی مشروع بودن مداخله‌ی کیفری نیست، بلکه تنها به معنای خروج برخی رفتارها از دایره‌ی رفتارهای آزاد و تجویز کنترل یک مرجع بالاتر بر آنها خواهد بود که طیف وسیعی از ابزارهای کنترل گر از جمله مداخلات مدنی، اداری و کنترل اجتماعی را دربرمی‌گیرد و منحصر به کنترل کیفری نخواهد بود.

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک به نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۱)، «بازشناسی مفاهیم آزادی مثبت و منفی: رویکردی انتقادی»، فصلنامه‌ی سیاست، شماره‌ی ۱.

۲. برای نمونه در اسپانیا تنها یک ماده در خصوص جرم‌انگاری اقدامات علیه محیط زیست وجود دارد و سایر مداخلات در قلمرو حقوق اداری است.

با این توضیحات، دولت‌ها ناگزیر هستند تا در راستای توجیه و مشروعیت‌بخشی اقدامات تقنینی خود در مسیر ممنوع کردن پاره‌ای از رفتارهای شهروندان، از الگوها و مبانی مشخصی پیروی نمایند. در این نوشتار تلاش گردیده تا از میان قوانین متعدد و پراکنده داخلی موجود در حوزه‌ی محیط زیست، معین گردد که کدام یک از الگوهای جرم‌انگاری در توصیف رفتارهای مجرمانه علیه محیط زیست، مورد توجه قانونگذار ایران بوده است. برای بررسی این امر ابتدا به یکی از مهمترین الگوهای جرم‌انگاری رایج در نظام‌های کیفری یعنی اصل ضرر اشاره می‌گردد که به نظر در پاسخگویی به طیف گسترده‌ی رفتارهای تهدیدکننده‌ی محیط زیست ناکارآمد بوده و در سیر تحولات تاریخی، برخی بازننگری‌ها و پیشروی‌های مفهومی را تحت عنوان خطر آفرینی یا خطر ایراد ضرر تجربه کرده است. سپس تلاش شده تا با اشاره به قوانین داخلی، تبعیت قانونگذار از هر یک از این الگوهای جرم‌انگاری در حوزه‌ی حقوق محیط زیست، تبیین گردد، هر چند که مدعی انطباق کامل اقدامات قانونگذار داخلی با هیچ یک از این الگوهای جرم‌انگاری نبوده و در صدد اثبات آن نیز نیستیم.

۱. الگوهای رایج جرم‌انگاری

تلاش بشر در راستای توجیه اقدامات دولت‌ها در قالب جرم‌انگاری و تعیین بایدها و نبایدهای کیفری، در قالب نظریه‌پردازی‌های مختلف و توجیه جرم و مجازات، تحت عنوان مبانی یا الگوهای جرم‌انگاری منعکس شده است که در این مسیر، بشر هر روز بیش از پیش به سمت عقلانی کردن و توجیه نظری اقدامات خود روی آورده است. در این خصوص اصل ضرر به عنوان اصلی‌ترین مبنای جرم‌انگاری در غالب نظام‌های کیفری کشورهای لیبرال پذیرفته شده است، اما پیروی صرف از این اصل در پاسخ به برخی تهدیدات و خطرهای زیست محیطی دنیای امروز در پاسداشت این مطلوب، ناکارآمد به نظر می‌رسد، امری که سبب تحولات مفهومی و توسعه‌ی جرم‌انگاری بر مبنای مفاهیم موسع‌تری از ضرر گردیده است. در ادامه‌ی این نوشتار به اصل ضرر و این تحولات اشاره خواهد شد.

۱-۱. اصل ضرر و توسعه‌ی مفهومی آن در جرم‌انگاری

جان استوارت میل^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان درباره‌ی آزادی، در رد توجیه جرم‌انگاری یک رفتار صرفاً به دلیل غیراخلاقی بودن آن، می‌گوید: تنها هدفی که به موجب آن می‌توان قدرت را بر تک‌تک افراد یک جامعه متمدن بر خلاف اراده‌ی آنان اعمال نمود، جلوگیری از ورود ضرر به دیگری است. بنابراین، نمی‌توان بنا به مصلحتی اخلاقی، با این توجیه که برای وی بهتر یا عاقلانه‌تر است یا سعادت وی را تضمین می‌کند، شخصی را اجبار به انجام یک عمل یا ترک یک عمل نمود.^۲ به موجب باور وی، هیچ فردی را نمی‌توان به دلیل ارتکاب رفتاری که به هیچ‌کس لطمه‌ای وارد نمی‌کند، مورد بازخواست قرار داد؛ تا آنجا که برخی در پیروی از اندیشه‌ی وی، از حق بر جرم‌انگاری نشدن و مشمول قوانین کیفری قرار نگرفتن رفتارهای بی‌ضرر، سخن گفته‌اند (دنيس، ۲۰۰۹: ۱۶۸). این امر که در اصل ضرر تجلی یافته، قدرتمندترین اصل در الگوی لیبرال جرم‌انگاری است. قدرت این اصل از این بینش سرچشمه می‌گیرد که رفتارهایی که برای کسی ضرر ندارد، ربطی به دیگران ندارد. در این نگرش، آزادی‌های فردی و حریم خصوصی قوت گرفته و بر لزوم حداقلی بودن مداخلات کیفری و وارد نشدن به حریم خصوصی افراد، تأکید می‌گردد.^۳ در این نگاه، رفتار افراد به دو دسته تقسیم می‌شود. اعمالی که مستقیماً به دیگران آسیبی وارد نمی‌کند و اعمالی که مستقیماً به دیگران ضرر می‌زند.^۴ دسته‌ی

^۱ John Stuart Mill.

^۲ این مداخله نکردن از دیدگاه میل، منحصر به افراد بالغ و رشید است و گرنه کودکان و کسانی که به سن رشد نرسیده‌اند و نیازمند حراست می‌باشند، از این قاعده مستثنی هستند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۸۵).

^۳ لازم به ذکر است چنانچه صرف زیانبار بودن یک رفتار را شرط کافی برای جرم‌انگاری قلمداد کنیم، باید در تعریف ضرر و تعیین ملاکی برای میزان آسیب لازم برای جرم‌انگاری و همچنین توجه به فرصت‌های پیشگیری از آن رفتار با ضمانت‌اجراهای غیر کیفری، دقت ویژه داشته باشیم، چرا که هر نوع رفتاری می‌تواند متضمن ضرر به دیگری باشد و جرم‌انگاری لجام گسیخته با این رویکرد، آزادی شهروندی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

^۴ لازم به ذکر است که جرایم زیست محیطی، غالباً در شمار جرایم با بزه‌دیدگان اعتباری بوده، بدان معنا که حتی با وقوع آسیب عملی به منافع زیست محیطی، شاید نتوان از شخص یا افراد معینی به عنوان بزه‌دیده و متضرر نام برد؛ بلکه شاید بزه‌دیدگان، یک جمعیت گسترده در قالب یک قوم یا ملت و یا حتی نسل‌های آینده‌ی یک جامعه باشند. بنابراین،

نخست، اعمال مربوط به خود و دسته‌ی دوم، اعمال مربوط به دیگران نامیده می‌شود و این تنها دسته‌ی دوم است که می‌تواند هدف نظارت‌های قانونی قرار گیرد. در حقیقت، دغدغه‌ی اصل ضرر، آسیب به سایرین است و اساساً، دفاع از امور انتزاعی و ماورایی و یا حتی دفاع از خود مرتکب و یا سود رساندن به شهروندان، مجوزی برای جرم‌انگاری محسوب نمی‌شود.

به نظر، دغدغه‌ی اصلی اندیشمندان مدافع اصل ضرر به عنوان مبنای جرم‌انگاری، حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندی و تحدید اقدامات خودسرانه‌ی دولت‌ها در قالب قانونگذاری و توسل به کیفر است؛ با این اوصاف چنین هدفی محقق نخواهد شد، مگر آنکه ملاک مشخصی برای تعیین شدت و میزان آسیب لازم برای توجیه مداخله‌ی کیفری در دست داشته باشیم (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۱۸۶).

گذشته از آن، باید بر اساس شواهد تجربی و عملی به این نتیجه‌گیری رسیده باشیم که در صورت عدم توسل به جرم‌انگاری، شمار گسترده‌ای از شهروندان جامعه مایل به ارتکاب آن رفتار زیانبار خواهند بود و ابزار غیرکیفری دیگری برای متقاعد ساختن آنان بمنظور انصراف از ارتکاب این رفتار وجود ندارد (فاینبرگ، ۱۹۸۴: ۲۸).

در این نوشتار فرصت پرداختن به موضوعات فوق وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که معیار مورد نظر میل در تعریف ضرر و تعیین گستره‌ی آن، نقض آن دسته قواعدی است که وجودشان برای بقای اجتماع ضرورت دارد و در حقیقت به منافع حیاتی دیگران آسیب می‌زند؛ اما با توجه به همین تعریف نیز در خصوص جرایم زیست محیطی چند پرسش مطرح می‌گردد؛ نخست آنکه آیا برای توسل به ضمانت اجرای کیفری، باید رفتار مورد نظر به منافع حیاتی زیست محیطی آسیب وارد کند یا آنکه رفتار مربوط متضمن خطر آسیب یا ایراد ضرر به منافع زیست محیطی باشد. در پاسخ به این پرسش باید گفت به نظر تن دادن به انحصار اصل ضرر به عنوان آسیب بالفعل و عملی به منافع زیست محیطی، بسیاری از رفتارهای تهدیدکننده‌ی محیط زیست را نادیده گرفته و نمی‌تواند در حمایت

از آن به شکل مؤثری کارآمد جلوه کند. با این پاسخ، در ادامه به تحولات مفهومی اصل ضرر تحت عناوین خطر ایراد ضرر واقعی و انتزاعی اشاره خواهد شد.

۲-۱. خطر ایراد ضرر

در جامعه‌ی پست‌مدرن قرن بیست و یکم که به جامعه‌ی مخاطره‌آمیز نیز شهرت یافته،^۱ اصل احتیاط با لزوم تقویت تفکر عقلانی و دوراندیشی و اجتناب از ریسک همراه است و این خواسته یا ناخواسته مورد توجه قانونگذاران کیفری به ویژه در حوزه‌های مهم و آسیب‌پذیری نظیر محیط زیست قرار گرفته و سبب تحولاتی در مفهوم ضرر گردیده است. تطوّر مفهوم اصل صدمه در نظریه‌ی فاینبرگ آمریکایی در این قالب تعبیر می‌شود که اصل ضرر تنها آن دسته از رفتارهایی که ذاتاً مضر هستند را شامل نمی‌شود، بلکه دامنه‌ی گسترده‌تری دارد (صیقل، ۱۴۰۰: ۱۶۶).

چنانچه بر این باور باشیم که یگانه شرط کافی و لازم برای جرم‌انگاری به موجب اصل ضرر، ایراد ضرر واقعی به دیگری است و مداخله‌ی کیفری را تنها تحت چنین شرایطی موجب بدانیم، بسیاری از رفتارهای مخاطره‌آمیز نسبت به حیات و سلامت محیط زیست از قلمرو مداخلات حقوق کیفری بیرون خواهد ماند. باید توجه داشت که رفتارها برحسب ماهیت خود همواره نتیجه‌ای آنی و محسوس نخواهند داشت؛ برخی رفتارها صرفاً تهدیدکننده‌ی منافع در آینده به شکل غیرمستقیم می‌باشند و گاه سال‌ها طول می‌کشد تا ضرر ناشی از این گونه رفتارها به فعلیت رسیده و آشکار گردد و یا حتی ممکن است برخی رفتارها به طور قطع به ایراد صدمه و آسیب منجر نشوند، اما میزان خطرناکی آنان به قدری است که در دامنه‌ی رفتارهای ممنوعه توسط قانونگذار جای می‌گیرند.

در حقیقت در جرم‌انگاری بر مبنای برداشت سنتی و رایج از اصل ضرر، شرط اصلی برای جرم‌انگاری، به بار آمدن یک صدمه‌ی ناروا به معنای آسیبی ممنوعه است که صرف

۱. به موجب نظریه‌ی اولریش بک، جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، یا در عناوینی جوامع پر بیم و خطر، جوامع بیم و هراس، در واقع جوامع امروزی هستند که به دلیل افزایش مخاطراتی که به سختی قابل کنترل و مهار هستند، ناامنی‌های مشترکی دارند. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک به صیقل، یزدان (۱۳۹۷)، مطالعه‌ی حقوقی-جرم‌شناختی جرم در جامعه‌ی مخاطره‌آمیز، رساله‌ی دکترا، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۳۰-۲۲.

نظر از همه چیز (انگیزه و سوءنیت فاعل آن) وضعیت تأسف‌بار به شمار می‌آید؛ جرایمی نظیر قتل عمد، ضرب و جرح و زنا به عنف از زمره‌ی همین جرایم هستند؛ چراکه با ارجاع به همین آسیب و جراحت تعریف می‌شوند؛ اما جرایمی نظیر حمل سلاح، رانندگی در حالت مستی یا شروع به قتل عمد را نمی‌توان با ارجاع به آسیبی واقعی و به‌بارآمده تعریف نمود؛ زیرا این رفتارها صرف‌نظر از آنکه منجر به آسیب بشوند یا نشوند در غالب نظام‌های کیفری، جرم‌انگاری شده‌اند و آسیب زدن در آنها موضوعیت ندارد؛ بلکه این رفتارها متضمن خطر ایراد صدمه می‌باشند. به دیگر سخن، دو نگرش از اصل ضرر قابل تصور است؛ نگاهی کنشی و واکنشی، اینکه اصل ضرر را مبنایی برای جرم‌انگاری در راستای ممانعت از ضرر ناروا در نظر بگیریم یا پیشگیری، ممانعت و کاهش خطر ایراد ضرر. غالب طرفداران اصل ضرر، نظیر بنیان‌گذاران آن، میل و فاینبرگ، رویکرد دوم یعنی نگاه کنشی به اصل ضرر را برگزیده‌اند (هولتوگ، ۲۰۰۲: ۱۹۰)، همان رویکردی که در جرایم ناقص (شروع به جرم، جرم محال و ...) مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است؛ استدلال جرم‌انگاری در این دسته جرایم، پیشگیری از صدمه است و سرزنش‌پذیری اخلاقی مرتکب در آن نه بخاطر ایراد صدمه بلکه به جهت آن است که وی قصد داشته به دیگران صدمه بزند یا آنان را به خطر بیندازد. بر اساس عدالت استحقاقی یا سزادهنده، جرم‌انگاری و مجازات شخص، در صورتی منصفانه است که شخص به گونه‌ای ناروا، پیامدهای ناگواری را برای دیگران به بار آورده و به آنان صدمه زده باشد یا آنکه رقم خوردن پیامد ناگواری را انتخاب کرده و به عبارتی خطر آن را ایجاد کرده باشد. این نوع خطاکاری سرزنش‌پذیر است که شخص را مستحق مجازات می‌کند، هنگامی که پیشگیری نتیجه‌گرا از صدمه در هنگام جرم‌انگاری، هدف کلی قانونگذار باشد (دنيس، ۲۰۰۹: ۱۷۰). با همه‌ی این اوصاف باید به خاطر داشت که نادیده گرفتن آزادی شهروندی و اقدام برای جرم‌انگاری یک رفتار، صرفاً برای پیشگیری از به خطر افتادن، شیئی لغزنده است که می‌تواند از اهداف زیربنایی اصل ضرر، فاصله بگیرد. ضروری است به این پرسش پاسخ دهیم که آیا صرف مخاطره‌آمیز بودن و وجود ریسک و خطر ایراد صدمه، می‌تواند تأمین‌کننده‌ی همان شرط ضرر بالفعل و واقعی باشد؟ با توجه به لزوم اصل احتیاط در جرم‌انگاری و پیروی از اندیشه‌ی حداقلی بودن مداخله‌ی کیفری که در خصوص آن سخن

بارها و بسیار گفته شده، باید در جرم‌انگاری بر مبنای مفهوم موسع‌تری از ضرر به نام خطر ایراد صدمه، محتاط‌تر رفتار کرده و ضوابط و معیارهایی را برای سنجش خطر صدمه در نظر گرفت.

در این راستا فاینبرگ معتقد است در جرم‌انگاری رفتارهایی که نه کاملاً بی‌ضرر هستند و نه مستقیماً و لزوماً زیانبار، باید نکات زیر را در نظر گرفت؛ نخست آنکه باید شدت ضرر احتمالی و در واقع خطر ایجاد ضرر بر احتمال کم وقوع آن، غلبه داشته باشد تا ممنوعیت آن رفتار توجیه گردد؛ دوم آنکه در صورت خفیف بودن شدت ضرر احتمالی، احتمال وقوع آن به شدت قابل توجه باشد؛ سوم آنکه دامنه‌ی خطر ایراد صدمه، صرف‌نظر از شدت و احتمال وقوع آن به قدری وسیع باشد که هیچ فرد متعارفی چنین ریسکی را نپذیرد (فاینبرگ، ۱۹۸۴: ۲۱۵). وی معتقد است تحت شرایط معینی از جمله شرایط فوق، می‌توان جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز را پذیرفت. با این توصیف که ایجاد خطر یا همان خطر آفرینی می‌تواند واقعی یا انتزاعی باشد به تبیین بیشتر این مقوله خواهیم پرداخت.

۱-۲-۱. خطر آفرینی انتزاعی

در این شیوه از جرم‌انگاری در جرایم زیست‌محیطی نیازی نیست تا رفتار شخص، محیط زیست را به واقع تحت تأثیر قرار داده و به آن صدمه بزند، بلکه رفتاری جرم‌انگاری می‌گردد که ارزش مورد حمایت قانونگذار، یعنی محیط زیست را به خطر بیندازد. در این الگوی جرم‌انگاری، وقوع ضرر و صدمه‌ی بالفعل، ملاک و ضابطه‌ی قانونگذار برای ممنوع دانستن رفتار شهروندان نیست، بلکه نقض مقررات و قوانین اداری یا محدودده‌ی مجازی که به موجب پروانه‌ها و مجوزهای اعطا شده، مشخص گردیده، جرم‌انگاری شده است. آنچه در این شیوه، جرم‌انگاری شده است، نه ضرر بلکه خطر ایراد ضرر است که معمولاً میزان و احتمال آن توسط کارشناسان فنی و مقامات اجرایی تعیین می‌شود. در حقیقت یکی از ویژگی‌های بارز جرایم در جامعه‌ی مدرنیته‌ی متأخر یا جامعه‌ی مخاطره‌آمیز حال حاضر، یعنی بحث آیین‌نامه‌ای شدن جرایم در این الگو مشاهده می‌شود که به موجب آن در راستای ضرورت پاسخگویی هرچه سریع‌تر به رفتارهای مخاطره‌آمیز، غالب فرایند جرم‌انگاری، اعم از شرایط وقوع جرم، احراز آن و تعیین مسئولیت کیفری،

بیش از آنکه به موجب فرایند رسمی قانونگذاری از طریق قوه‌ی مقننه صورت بگیرد به آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری و اجرایی احاله داده می‌شود؛ تا آنجا که برخی اندیشمندان، اداری بودن را وجه غالب حقوق کیفری آینده دانسته‌اند (فتاح، ۱۳۷۷: ۷۲)، امری که به ویژه در جرایم زیست محیطی به طور محسوسی مشاهده می‌شود. در این شیوه، جرم‌انگاری بر اساس مقررات حقوق اداری و تا حدودی تصمیمات مقام‌ها و کارگزارهای حقوق اداری و مدنی انجام می‌شود؛ برای نمونه اینکه ارزش‌های زیست‌بوم کدام‌اند و میزان مجاز برون‌ریزی موادی که می‌توانند به محیط زیست آسیب برسانند، تا چه اندازه است، به قواعد و اصول کلی قوانین اداری و تصمیم کارگزارهای اداری وابسته است. مداخله‌ی کیفری به شیوه‌ی خطرآفرینی انتزاعی به ویژه در حوزه‌ی محیط زیست، مبتنی بر پذیرش یک نظم اداری و مدنی پیشینی است (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۲۰۱).

اگرچه در احراز وقوع این گونه جرایم، اثبات صدمه و زیان نیاز نیست و صرف تخلف از دستورها و مقررات مربوط برای وقوع جرم کفایت می‌کند، اما با اندکی دقت در مواد مربوط که در ادامه بدان اشاره خواهد شد درمی‌یابیم که در تعیین استانداردهای مربوط، به گونه‌ای عمل شده است که رفتاری، جرم‌انگاری گردد که با احتمال وقوع صدمه و زیان آتی آن از حالت محتمل خارج شده و فاصله‌ای تا قطعیت ندارد. در حقیقت گویی در این شیوه از جرم‌انگاری در جرایم زیست محیطی، شخص متخلف را به دلیل رفتار زیانبار وی مجازات می‌کند؛ با این تفاوت که سنگینی بار اثبات زیان را در مرحله‌ی احراز جرم و مسئولیت کیفری از شانه‌ی خود برداشته است.

۲-۲-۱. خطرآفرینی واقعی

اگرچه در الگوی خطرآفرینی واقعی نیز، باز هم نیازی به اثبات صدمه و ضرر واقعی برای جرم‌انگاری و احراز جرم نیست، اما این الگو، در مقایسه با الگوی پیشین، سرپیچی از برخی دستورها یا نقض مقررات و قواعد اداری را شرط جرم‌انگاری و تحمیل مسئولیت کیفری نمی‌داند و شرط دیگری به نام تهدید به آسیب در این خصوص مطرح می‌گردد که ضرورت دارد چنین تهدیدی ناشی از یک رفتار غیرقانونی باشد. در حقیقت در الگوی

خطر آفرینی انتزاعی، صرف سرپیچی از دستورها یا نقض مقررات و اقدام خارج از مجوز و پروانه، فارغ از آنکه در عالم خارج، تهدید یا خطری را ایجاد کرده باشد، جرم‌انگاری گردیده است و به سخن دیگر، قانونگذار، در خطر آفرینی انتزاعی، وجود خطر ایراد ضرر را اعتبار کرده و مفروض می‌داند؛ اما در خطر آفرینی واقعی، چنین اعتبار و فرضی وجود ندارد؛ بلکه باید رفتار شخص، به طور واقعی تهدیدی نسبت به ارزش مورد حمایت قانونگذار ایجاد کرده و یک وضعیت مخاطره‌آمیز واقعی رقم خورده باشد؛ صرف نظر از آنکه صدمه و زبانی وارد شده باشد یا خیر، مانند آنکه شخص پسماندهای خطرناکی مانند پسماند بیمارستانی را در طبیعت رها کرده باشد، چنین امری تهدیدی آشکار برای سلامت و حیات محیط زیست به شمار می‌آید، هرچند نیازی به اثبات ضرر و زیان بالفعل در زمان احراز وقوع جرم، نیست.

۲. الگوهای جرم‌انگاری داخلی در جرایم زیست‌محیطی

قانونگذار داخلی نیز در راستای مشروعیت‌بخشی به چهره‌ی قوانین کیفری ناگزیر از الگوها و مبانی جرم‌انگاری رایج پیروی کرده و به تناسب شدت و گستره موضوع فعالیت‌هایی که باید در راستای حفاظت از محیط زیست از قلمرو رفتارهای مجاز خط خورده و مشمول قلمرو حقوق کیفری گردند، تلاش کرده تا در این مسیر مناسب‌ترین و کارآمدترین الگو را برگزیند. با توجه به قوانین متعدد و پراکنده در حوزه‌ی جرایم زیست‌محیطی، شاهد هستیم که قانونگذار در این راستا گاه اصل ضرر را مورد توجه قرار داده و تنها بر رفتارهای زیانبار برجسب مجرمانه زده است، گاه از اصل ضرر یا فراتر گذاشته و فارغ از زیانبار بودن یک فعالیت، حتی به تهدید و خطر به بار آمدن صدمه به محیط زیست نیز با ابزاری کیفری واکنش نشان داده است. لازم به ذکر است که در این میان قوانینی نیز ممکن است یافت شوند که جامه‌ی هیچ یک از الگوهای رایج جرم‌انگاری بر قامت آنان ننشینند و این مقتضای جامعه‌ی مخاطره‌آمیز کنونی است که اصلی به نام احتیاط و عدم قطعیت بر آن حاکم است؛ اصل احتیاط به معنای لزوم تقویت تفکر عقلانی و دوراندیشی و اجتناب از ریسک و عدم قطعیت به منزله‌ی عدم پیش‌بینی خطرهای احتمالی و آتی. بدین ترتیب، این احتمال وجود دارد که قانونگذار در انشای برخی قوانین و مقررات کیفری به سمت و

سویی حرکت کند که به گونه‌ای مبهم با هیچ یک از الگوهای ذکر شده تطابق نداشته باشد؛ بلکه تنها تلاشی برای ایجاد وضعیتی باشد که شمول حداکثری خطرهای احتمالی و آتی ناشناخته را در پی داشته باشد (او ملی، ۲۰۰۴: ۶۷). در پیروی از اصل احتیاط نه تنها خطرهای انتزاعی و واقعی، بلکه بعیدترین پیش‌بینی‌ها نیز به شکل جدی مورد توجه قانونگذار قرار می‌گیرد. به موجب این اصل، حتی اگر احتمال ریسک کم باشد، باز هم باید تدابیر مقتضی در جهت اجتناب از آن اتخاذ شود. در قالب این اصل، نقض احتیاط‌های پیش‌بینی شده در قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و نیز نقض رفتار متعارف دارای نتایج احتمالاً زیانبار می‌تواند توجیه‌گر جرم‌انگاری با عنوان به خطراندازی سلامت و ایمنی دیگران باشد (صیقل، ۱۳۹۷: ۱۴۵). گرچه طبق اصل قطعیت قانونی، شهروندان باید دقیقاً بدانند چه نوع رفتاری جرم و مشمول مجازات خواهد بود؛ اما گاه در مسیر تأمین و تقویت هرچه بیشتر امنیت و بهبود کیفیت زندگی، مسائل پیچیده‌ای بر سر راه قانونگذار قرار می‌گیرد که وی را به سمت نگارش موسع و مبهم قانون سوق می‌دهد تا امکان تفسیر آزادانه‌ی آن و شمول حداکثری وضعیت‌ها (ریسک‌های پیش‌بینی نشده) فراهم گردد (صیقل، ۱۳۹۷: ۶۵).

۱-۲. جرایم زیست محیطی بر مبنای اصل ضرر

در جرم‌انگاری بر مبنای اصل ضرر همان گونه که از نام آن پیداست، رفتار هنگامی وصف مجرمانه پیدا کرده و برای مرتکب مسئولیت کیفری به بار می‌آورد که در نتیجه‌ی آن رفتار، ضرری بالفعل به بار آمده باشد. در حقیقت در این الگوی جرم‌انگاری، اقدام قانونگذار، واکنشی است نه کنشی و زمانی به مداخله روی می‌آورد که ضرر ایجاد شده است؛ لذا بدیهی است که در اثبات وقوع جرم، احراز صدمه و زیان ضروری است. برای نمونه ماده‌ی ۶۷۵ از قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات مقرر می‌دارد: «هر کس عمداً ... جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود». گرچه می‌توان این ماده را به جهت اشاره به جنگل، اشجار یا باغ‌ها، از زمره‌ی اقدامات قانونگذار در راستای حمایت از محیط زیست به شمار آورد، اما به نظر دغدغه‌ی حمایت از اموال غیر در آن پررنگ‌تر

بوده و لذا آنچه قانونگذار را به مداخله‌ی کیفری در برابر این اقدامات واداشته، ورود ضرر به اموال دیگری می‌باشد. در ماده‌ی ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات نیز نظیر همین سیاست اتخاذ شده است که مقرر می‌دارد: «هر کس ... تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه‌ی سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضييع آن بشود ... به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود». ادر حقیقت در هر دو ماده آنچه قانونگذار را به صحنه کشانده، تضييع اموال غیر و ایراد ضرر به دیگری در قالب ایجاد حریق یا تخریب می‌باشد. حمایت از گونه‌های گیاهی بر اساس اصل ضرر تنها محدود به محکوم کردن ضرر به مال غیر نبوده و بر اساس ارزش ذاتی پوشش گیاهی محیط زیست، حمایت از درختان و پوشش گیاهی به عنوان یک ثروت ملی به دفعات در قوانین متعدد مشاهده می‌شود. در این خصوص قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ در مواد متعددی، ایراد ضرر به جنگل‌ها و مراتع را جرم‌انگاری کرده است، برای نمونه ماده‌ی ۴۷ این قانون مقرر می‌دارد: «هر کس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد نماید به حبس مجرد از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکب مأمور جنگلبانی باشد به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود». گرچه در این قانون حمایت از درختان و پوشش گیاهی در برابر فعل ممنوعه حریق محدود به پوشش گیاهی موجود در جنگل می‌باشد و گستره‌ی حمایتی قانونگذار تنها درختان جنگلی را دربرمی‌گیرد، اما این حمایت در ماده‌ی یک قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱ به تمامی گونه‌های گیاهی^۲ فارغ از مکان آنها (جنگلی و

۱. انتقاد برخی بر این ماده صرف‌نظر از توجه به ایراد ضرر به مال غیر به جای حمایت تمام‌عیار از ارزش ذاتی محیط زیست و گونه‌های گیاهی آن، آن است که گستره‌ی حمایتی تعریف شده در این قانون را حمایتی حاصل محور می‌دانند امری که مستنبط از عبارت باغ میوه، نخلستان و محصول متعلق به دیگری می‌باشد. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک ب شاملو، باقر، احمدی، اصغر و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۹۶)، «بزه‌دیدة شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، شماره‌ی ۲۰، صص ۴۹-۵۱.

۲. از تاریخ تصویب این قانون گونه‌های درختانی از قبیل شمشاد، زربین، سرخدار، سرو خمره‌ای، سفیدپلت، حرا و چنندل، ارس فندق، زیتون طبیعی، بنه (پسته‌ی وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جزء ذخایر جنگلی محسوب و قطع آنها ممنوع می‌باشد.

غیره) تعمیم پیدا کرده و ایراد ضرر به آن‌ها جرم‌انگاری شده است. در نمونه‌ی دیگری از حفاظت از درختان می‌توان به ماده‌ی ۴ از قانون اصلاح لایحه‌ی قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، مصوب سال ۱۳۸۸ اشاره کرد که به موجب آن «هرکس درختان موضوع ماده‌ی (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال برای قطع هر درخت و در صورتی که قطع درخت بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد»^۱.

حمایت از محیط زیست بر مبنای اصل ضرر، محدود به گونه‌های گیاهی نبوده و حمایت از سایر موضوعات زیست محیطی نظیر آب و خاک و گونه‌های جانوری را هم می‌توان در قوانین متعدد مشاهده کرد. برای نمونه به موجب ماده‌ی ۲۲ از قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی ایجاد هر گونه آلودگی یا انتشار بیماری‌های مسری و تخلیه‌ی فضلاب‌های صنعتی و هر گونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبی شود، جرم‌انگاری شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در تمامی نمونه‌های ذکر شده، دغدغه‌ی قانونگذار برای مداخله و ورود، ایراد ضرر به محیط زیست چه به عنوان مال غیر یا یک ثروت ملی است.

۲-۲. جرایم زیست محیطی بر مبنای خطر آفرینی انتزاعی

در جرم‌انگاری بر مبنای خطر آفرینی انتزاعی یا خطر ایراد ضرر بالقوه، قانونگذار در رویکردی کنشی و پیشگیرانه به ممنوع اعلام کردن رفتارهایی اقدام می‌کند که احتمال نتایج زیانباری مترتب بر آن رفتارها وجود دارد، بدون آنکه بر خود لازم بداند که وقوع

۱. به اعتقاد برخی با توجه به آنکه حکم این ماده تنها ناظر بر درختان موضوع ماده‌ی یک این قانون می‌باشد، یعنی درختان موجود در معابر، میداين، بزرگراه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و سایر محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر باغ شناخته شوند، درختان موجود در ملک شخصی مشمول این ماده نخواهند بود. زیرا ملک شخصی جزء فضای شهری محسوب نمی‌شود. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، ص ۲۲۴.

ضرر را در این موارد احراز نماید و از این جهت رکن مادی این دسته جرایم، نقض و تخلف از پاره‌ای قواعد و دستورها است که به نظر قانونگذار، نقض آن محیط زیست را به شکل بالقوه با خطر پیامدهای ناگواری روبرو خواهد ساخت. غالب جرم‌انگاری‌ها بر اساس این اصل و اصل خطرآفرینی واقعی، رنگ و بوی فنی و کارشناسی دارد. از آن جایی که رکن مادی این جرایم با نقض برخی استانداردها و دستورالعمل‌های فنی رخ می‌دهد، استفاده از کارشناسان فنی برای ارزیابی دقیق‌تر خطرهای احتمالی و تعیین این استانداردها و ضوابط اهمیت چشمگیری دارد. از همین رو در بسیاری از این قوانین به صراحت به ورود کارشناسان فنی در تعیین ضوابط و استانداردهای فنی اشاره شده است. برای نمونه ماده‌ی ۱۱ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ مقرر می‌دارد: «استانداردهای موضوع مواد ۸ و ۹ این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع، وزارت نفت و **مؤسسات تحقیقاتی ذیصلاح** تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید».

در نمونه‌ای دیگر در ماده‌ی ۲۰ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مقرر گردیده است: «به منظور حسن انجام امور فنی و مالی و تلفیق برنامه‌های مربوطه و تنظیم امور بررسی‌های جنگل، شورایی به نام شورای عالی جنگل در سازمان جنگلبانی ایران تشکیل می‌شود. این شورا مرکب خواهد بود از شش نفر اعضای عالی‌رتبه وزارت کشاورزی که حداقل دارای درجه‌ی مهندسی در رشته‌ی جنگل یا کشاورزی و تجربیات کافی در رشته‌ی جنگل باشند».

گذشته از تأکید بر حضور کارشناسان فنی در فرایند جرم‌انگاری بر اساس الگوی خطر ایراد ضرر، باید با توجه به غلبه وجه اداری این جرایم بر وجه کیفری آن، تلاش گردد تا پاسخ‌ها و ضمانت‌اجراهای آن نیز غالباً بیش از آن که چهره‌ی کیفری داشته باشند، چهره‌ی اداری و انضباطی بیابند.^۱ در حقیقت، باید تلاش گردد تا به جای تمرکز بر

۱. لغو پروانه یا مجوز فعالیت مندرج در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۶ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ که مقرر می‌دارد: «مراکز معاینه‌ی فنی که از ضوابط تأسیس، فعالیت و تعرفه‌ی انجام معاینات مربوط تخلف نمایند با اعلام سازمان، وزارت کشور یا وزارت راه و شهرسازی به جزای نقدی درجه‌ی شش موضوع ماده‌ی (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲

مجازات مرتکبان این دسته از جرایم، بر ترمیمی بودن پاسخ‌ها و مداخلات قانونی تأکید گردد. از این جهت یکی از مجازات‌های رایج در این گونه جرایم، محکومیت به پرداخت جزای نقدی است که غالباً به تصریح قوانین متعدد این حوزه، درآمد حاصل از آن به شیوه‌ای ترمیمی صرف حفاظت از محیط زیست می‌گردد. برای نمونه ماده‌ی ۳۰ قانون شکار و صید مقرر می‌دارد: «وجوه حاصل از اجرای قانون شکار و صید غیر از درآمد ناشی از بهای پروانه‌های شکار و صید و ضرر و زیان که به موجب بند (الف) ماده‌ی (۴۵) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت هزینه خواهد شد به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل واریز می‌شود. سازمان برنامه و بودجه موظف است همه ساله معادل هفتاد درصد (۷۰٪) آن را به طور جداگانه در بودجه‌ی سازمان منظور کند تا صرف حفاظت از حیات وحش، کنترل مناطق تحت نظارت سازمان و تأمین هزینه‌های مربوط به اجرای ماده‌ی (۹) قانون شکار و صید - مصوب ۱۳۴۶ - و اصلاحیه‌ی بعدی آن شود». یا در نمونه‌ی دیگر در ماده‌ی ۳۰ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ مقرر گردیده است: «صد درصد درآمدهای حاصل از اجرای این قانون به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز تا صرفاً در قالب بودجه‌ی سنواتی جهت تکالیف این قانون و مقابله با منابع آلوده‌کننده‌ی هوا هزینه شود. بیست درصد (۲۰٪) از وجوه مذکور از طریق مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی صندوق ملی محیط‌زیست به منظور ارائه‌ی تسهیلات به منابع آلاینده‌ی هوا جهت رفع و کاهش آلودگی هوا اختصاص می‌یابد». لازم به ذکر است که سخن از حقوق ترمیمی تنها ناظر بر حفاظت از محیط زیست نبوده و گاه قانونگذار مواردی را در راستای ترمیم و جبران خسارت در

محکوم و در صورت تکرار تخلف حسب مورد به تعلیق پروانه‌ی فعالیت از یک‌ماه تا یک سال و یا لغو دائم پروانه‌ی فعالیت محکوم می‌شوند»، از شمار همین ضمانت‌اجراها می‌باشد.

۱. ماده‌ی ۲۰ از قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ که مقرر می‌دارد: «مبالغ مربوط به خسارات دریافت شده تحت عنوان «جبران خسارات وارده به بنادر، تأسیسات، محیط زیست دریایی و حیات آبریان»، به حسابی متمرکز در خزانه‌داری کل واریز و صد درصد (۱۰۰٪) آن بر اساس بودجه‌ی سالیانه، مازاد بر ردیف‌های دستگاه‌های ذی‌ربط و طبق موافقتنامه‌ی مربوط، منحصرأ برای بهبود، ارتقاء کیفیت، بهسازی، احیاء و بازسازی محیط زیست دریایی، سواحل و منابع آبرزی و به نسبت خسارات وارده، به سازمان‌های بنادر و دریانوردی، حفاظت محیط زیست و شیلات ایران و نیروهای مسلح تخصیص یافته و هزینه می‌گردد»، نمونه‌ای دیگر از تخصیص جریمه‌های نقدی به حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

نظر گرفته است که در آن اشخاص در راستای حفاظت از محیط زیست، دچار آسیب شده اند، برای نمونه ماده‌ی ۹ اصلاحیه‌ی قانون شکار و صید که در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۵ بدان الحاق شده است، مقرر می‌دارد: «چنانچه مأموران سازمان یا میرشکاران یا صاحبان باغ‌ها و مزارع در حدود مجوزهای صادرشده نتوانند از دفع خسارت یا صدماتی که از ناحیه‌ی جانوران قابل شکار و صید به افراد، مزارع و باغ‌ها وارد می‌شود، جلوگیری به عمل آورند، جبران خسارت وارد شده از محل درآمدهای حاصل از اجرای این قانون تأمین خواهد شد».

وجه مشترک این گونه جرایم، بکارگیری عباراتی نظیر بدون اخذ مجوز، بدون کسب پروانه، تخلف از شرایط پروانه، عدم رعایت ترتیبات پیش‌بینی شده و ... می‌باشد؛ در اشاره به این سیاق از جرم‌انگاری می‌توان از ماده‌ی ۲۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز یاد کرد که مقرر می‌دارد: «هر کس بدون اخذ مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیط زیست و عدم رعایت سایر ترتیبات پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات به صدور حیوانات وحشی عادی، در معرض نابودی و کمیاب، انواع موجودات آبی، پرندگان شکاری و غیرشکاری اعم از بومی یا مهاجر وحشی به طور زنده یا غیرزنده و نیز اجزای این حیوانات مبادرت کند، یا در حین صدور و خارج نمودن دستگیر شود، هر چند عمل او منجر به خروج موارد مذکور از کشور نشود، به مجازات قاچاق کالای ممنوع محکوم می‌گردد». آنچه شخص را مضمول مسئولیت کیفری ناشی از این ماده می‌گرداند نه ایراد ضرر بلکه صرفاً سرپیچی و تخلف از برخی ترتیبات و تشریفات اداری است. به تصریح قسمت اخیر ماده حتی اگر عمل فرد منجر به خروج موارد مذکور هم نگردد، مسئولیت کیفری وی به قوت خویش باقی است. در نمونه‌ی دیگر قانونگذار برای صیانت از سفره‌های آب زیرزمینی، اقدام به ساماندهی و نظارت بر حفر چاه نموده و در تبصره‌ی ۴ ماده واحده‌ی قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه‌ی بهره‌برداری، کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مالک

۱. برای نمونه ماده‌ی ۲۲ قانون حفاظت از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴ مقرر می‌دارد: «هر شناور صیادی خارجی که بدون کسب پروانه‌ی لازم پیش‌بینی شده در این قانون اقدام به انجام فعالیت‌های صیادی در آبهای مذکور در ماده‌ی ۲ این قانون بنماید، به پرداخت جزای نقدی از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و مصادره‌ی محصولات صیادی محکوم می‌گردد».

دستگاه‌های حفاری در سراسر کشور را موظف نموده تا نسبت به دریافت مجوز فعالیت و کارت تردد اقدام نمایند و ضمانت اجرای تخلف از این امر را جلوگیری از حمل و نقل و یا تردد دستگاه‌های فاقد مجوز و کارت تردد و یا توقیف دستگاه‌های حفاری متخلف به مدت شش ماه و حمل آن به توقفگاه (پارکینگ) با هزینه مالک آن مقرر کرده است. قانونگذار در حمایت از پوشش گیاهی، چتر نظارتی خویش را از طریق قانونگذاری و صدور پروانه‌های مشخص برای بهره‌برداری از مراتع و جنگل‌ها گشوده است و غالب اقدامات در این حوزه را منوط به کسب مجوز و موافقت سازمان نموده است و افراد را ملزم نموده است تا در بهره‌برداری خویش تابع مشخصات، نحوه و مدت بهره‌برداری مندرج در پروانه باشند و طبق ماده‌ی ۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، متخلف از این امر را به مجازات مندرج در همان قانون محکوم می‌نماید.

۲-۳. جرایم زیست محیطی بر مبنای خطر آفرینی واقعی

در حالی که در الگوی جرم‌انگاری بر مبنای خطر آفرینی انتزاعی، قانونگذار هنگامی به مداخله‌ی کیفری روی می‌آورد که اساساً هنوز خطری ایجاد نشده است، بلکه به واسطه‌ی نقض پاره‌ای از ضوابط و استانداردها و تخلف از برخی تشریفات اداری، رفتاری از مرتکب سر زده که به نظر قانونگذار می‌تواند خطر ساز بوده و خطر ایراد ضرر را به بار آورد، در جرم‌انگاری بر مبنای خطر آفرینی واقعی، علیرغم عدم نیاز به احراز و اثبات ضرر، قانونگذار زمانی نیاز به مداخله را احساس می‌کند که در اثر رفتار غیرمجاز ارتکاب یافته، خطری محقق شده است و صرف رفتار ممنوعه، تهدیدی آشکار علیه محیط زیست به شمار می‌آید. برای نمونه ماده‌ی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هرگونه فعالیتی از قبیل آلوده کردن آب یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده‌ی غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی که موجبات آلودگی زیست محیطی می‌شود را جرم‌انگاری کرده است. همان گونه که از نص ماده روشن است، قانونگذار برای مداخله‌ی کیفری خود را نیازمند اثبات ضرر ندانسته و از عبارت «هرگونه فعالیتی که موجبات آلودگی زیست محیطی شود»، استفاده کرده است،

در حقیقت آنچه برای قانونگذار اهمیت دارد، ارتکاب رفتاری است که خطر ایجاد ضرر را به بار می‌آورد، لکن برخلاف الگوی پیشین در اینجا باید نسبت به وجود چنین خطری، قطعیت بیشتری داشته باشیم و صرف احتمال به بار آمدن چنین خطری، برای مداخله‌ی کیفری کافی نخواهد بود. قانونگذار در ماده‌ی مذکور، مواردی چون ریختن مواد مسموم‌کننده یا فاضلاب در آب رودخانه را از مصادیق آشکار تهدید علیه بهداشت عمومی به شمار آورده و آن را با ضمانت‌اجرای کیفری، پاسخ می‌دهد. مشابه همین ادبیات در بند (د) ماده‌ی ۱۲ قانون شکار و صید نیز مشاهده می‌شود که مقرر می‌دارد: «آلوده نمودن آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌های حفاظت‌شده، چشمه‌ها و آبشخورها به موادی که باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود»، گرچه در این ماده استفاده از کلمه‌ی «از بین رفتن آبزیان، ممکن است در نگاه اول، ذهن را به سمت الگوی جرم‌انگاری بر اساس اصل ضرر سوق دهد، اما اثبات چنین امری برای آنکه شخص مشمول مجازات مقرر به موجب این ماده شود، ضرورت ندارد، بلکه کافی است اثبات گردد وی با موادی سبب آلودگی آب گردیده که حیات آبزیان را به خطر می‌اندازد. در ماده‌ی ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ نیز به روشنی پیروی از همین الگو مشاهده می‌گردد که مقرر می‌دارد: «سازمان با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین‌نامه‌های مذکور در ماده‌ی ۱۰ کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نماید، مشخص و مراتب را کتباً با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسئولان آنها اخطار می‌دهد...»، در این ماده ضرورتی به احراز آلودگی محیط زیست وجود ندارد، بلکه کافی است مشخص گردد که کارگاه با نقض مقررات مربوط موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم کرده است. تبصره‌ی همین ماده با بیان این عبارت که رییس سازمان می‌تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در برداشته باشند بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از کار و فعالیت آنها را بدهد، به صراحت به جای استفاده از واژه‌ی ضرر، کلمه‌ی خطر را انتخاب کرده تا روشن باشد که برای مداخله‌ی نیازی به ایراد ضرر نیست. قانونگذار در غالب مواردی که رفتار ارتكابی افراد، منجر به آلودگی آب می‌گردد، بدون نیاز به احراز ضرر، مداخله‌ی کیفری نموده است؛ برای مثال ماده‌ی ۹ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹، آلوده کردن آب رودخانه‌ها

و دریا‌های قابل کشتیرانی به مواد نفتی را به طور مطلق جرم‌انگاری نموده و مرتکب یا مرتکبان آن را در صورت آلوده کردن عمدی به حبس یا جزای نقدی و یا هر دو مجازات و در صورت آلوده کردن غیرعمدی به جزای نقدی محکوم کرده است. نظیر همین سیاست در پیشگیری از آلودگی خاک نیز در قوانین داخلی مشاهده می‌شود، برای نمونه ماده‌ی ۱۹ قانون حفاظت از خاک مصوب ۱۳۹۸ مقرر می‌دارد: «تخلیه و دفع مواد آلاینده اعم از مایع و جامد در خاک در غیر از مکان‌های تعیین شده ممنوع است. مرتکب علاوه بر جبران خسارت زیست محیطی به جزای نقدی دو تا پنج برابر خسارت وارده محکوم می‌شود». در خصوص این ماده ذکر دو نکته لازم است؛ گرچه در متن ماده به الزام محکوم علیه به جبران خسارت اشاره شده است، اما باید تأکید کرد که در احراز این جرم، نیازی به اثبات ضرر نبوده و صرف ارتکاب رکن مادی این جرم یعنی دفع مواد آلاینده در خاک، فارغ از نتیجه‌ی آن برای تحقق این جرم کافی است؛ اما از آنجا که قانونگذار جزای نقدی نسبی را به عنوان ضمانت اجرای کیفری این رفتار در نظر گرفته است، در صدور حکم به پرداخت جزای نقدی، ارزیابی خسارت وارده، ضرورت می‌یابد و البته دشواری کار در جایی است که در زمان دادرسی و صدور حکم، برآورد خسارت به طور دقیق، ممکن نبوده و باید در آینده‌ی دورتری روشن گردد. مداخله‌ی کیفری در پاسخ به دفع ساماندهی نشده و مخاطره‌آمیز پسماند در طبیعت بر مبنای الگوی خطرآفرینی واقعی در ماده‌ی ۲۰ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ نیز به چشم می‌خورد که مقرر می‌دارد: «انباشت پسماندهای بیمارستانی و صنعتی در معابر عمومی و فضای باز یا سوزاندن آنها و انباشتن پسماندهای خانگی و ساختمانی در معابر عمومی و فضای باز خارج از مکانهای تعیین شده توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها یا سوزاندن آنها ... ممنوع بوده و متخلف حسب مورد به جزای نقدی درجه‌ی شش موضوع ماده‌ی (۱۹) قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود». به موجب این ماده صرف دفع زباله یا سوزاندن آن فارغ از اثبات پیامد ناگوار و زیانبار آن برای محیط زیست، به طور مطلق جرم‌انگاری شده است. امری که پیش از این در قانون نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ نیز به ممنوعیت آن اشاره شده بود.^۱

۱. ماده‌ی ۲۴ این قانون، مقرر می‌دارد: «سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع می‌باشد».

قانونگذار در پیروی از این مبنای جرم‌انگاری در حمایت از برخی گونه‌های جانوری آسیب‌پذیرتر، به طور مطلق شکار حیوانات کمیاب و در معرض خطر انقراض را به موجب بند الف ماده‌ی ۱۳ قانون شکار و صید، مستوجب مجازات دانسته است؛ بدون آنکه در احراز وقوع جرم به اثبات ضرر به بارآمده برای محیط زیست اشاره‌ای داشته باشد؛ در حقیقت حساسیت گونه‌های جانوری نامبرده^۱ در حفاظت از محیط زیست برای قانونگذار به قدری بوده که شکار آنها را خطری جدی برای طبیعت به شمار می‌آورد.

با توجه به تأثیر منفی آلودگی صوتی بر سلامت انسان و گونه‌های جانوری، قانونگذار در حفاظت از سلامت محیط زیست انسانی و جانوری از این مهم نیز غفلت نورزیده و در ماده‌ی ۲۹ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ مبادرت به هر گونه اقدامی که موجبات آلودگی صوتی را فراهم نماید ممنوع اعلام کرده است. در اعلام این ممنوعیت نیز، قانونگذار، اثبات ضرر و خسارت ناشی از این آلودگی بر انسان یا جانوران را ضروری ندانسته و صرف ایجاد آلودگی صوتی (پخش و انتشار هر گونه صوت و صدا و ارتعاش مربوط بیش از حد مجاز و مقرر در فضای باز)^۲ را به شکل مطلق ممنوع اعلام کرده است.

نتیجه

گرچه اهمیت پاسداری از محیط زیست به عنوان امری ارزشمند بر کسی پوشیده نیست، اما جرم‌انگاری و توسل به ضمانت‌اجراهای کیفری در تحقق این رسالت با توجه به هزینه‌های متعدد مداخله‌ی کیفری، مستلزم توجیه ایجابی و سلبی بر اساس مبانی جرم‌انگاری خواهد بود. با این همه، به نظر می‌رسد که اکتفا به جرم‌انگاری بر مبنای اصول سنتی و رایج جرم‌انگاری نظیر اصل ضرر بدون توجه به تحولات و بازخوانی مفاهیم آن در راستای اتخاذ یک واکنش مؤثر به رفتارهای تهدیدکننده‌ی محیط زیست، کارآمد نخواهد بود. مفاهیم رایج در اصل ضرر در سال‌های اخیر، تحولاتی را پشت سر گذرانده و کانون توجه خود را گسترده‌تر ساخته، به گونه‌ای که به جای دربرگرفتن صرف رفتارهای

۱. به موجب بند الف ماده‌ی ۱۳ قانون شکار و صید به طور تمثیلی عبارتند از: جیبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح، هوبره و میش مرغ.

۲. بند ۲ ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی نحوه‌ی جلوگیری از آلودگی صوتی.

واردکننده‌ی ضرر به رفتارهای مخاطره‌آمیزی که خطر ایراد ضرر را به طور واقعی یا انتزاعی به دنبال دارند، تعمیم یافته است. به این ترتیب که در حوزه‌ی جرایم زیست محیطی با این پرسش اساسی روبرو می‌شویم که آیا برای ممنوع دانستن یک رفتار، باید به منافع حیاتی زیست محیطی، ضرر وارد شده باشد یا آنکه رفتار مربوط متضمن خطر آسیب یا ایراد ضرر به منافع زیست محیطی باشد. با مشاهده‌ی قوانین داخلی به نظر می‌رسد که تصمیم قانونگذار، خروج از دایره‌ی انحصاری اصل ضرر به عنوان آسیب بالفعل و عملی به منافع زیست محیطی بوده است، چراکه اگر بر این باور باشیم که یگانه شرط کافی و لازم برای جرم‌انگاری به موجب اصل ضرر، ایراد ضرر واقعی است و مداخله‌ی کیفری را تنها تحت چنین شرایطی موجه بدانیم، بسیاری از رفتارهای مخاطره‌آمیز نسبت به حیات و سلامت محیط زیست از قلمرو مداخلات حقوق کیفری بیرون خواهد ماند. باید توجه داشت که رفتارها برحسب ماهیت خود همواره نتیجه‌ای آبی و محسوس نخواهند داشت؛ برخی رفتارها صرفاً تهدیدکننده‌ی منافی در آینده به شکل غیرمستقیم می‌باشند و گاه سال‌ها طول می‌کشد تا ضرر ناشی از این گونه رفتارها به فعلیت رسیده و آشکار گردد و یا حتی ممکن است برخی رفتارها به طور قطع به ایراد صدمه و آسیب منجر نشوند، اما میزان خطرناکی آنان به قدری است که در دامنه‌ی رفتارهای ممنوعه توسط قانونگذار جای می‌گیرند؛ اما باید به خاطر داشت که در این شیوه از جرم‌انگاری تحت عنوان خطر واقعی یا انتزاعی ایراد ضرر، باید به نکات خاصی توجه داشت؛ نخست آنکه با توجه به لزوم اصل احتیاط در جرم‌انگاری و پیروی از اندیشه‌ی حداقلی بودن مداخله‌ی کیفری باید در جرم‌انگاری بر مبنای مفهوم موسع‌تری از ضرر به نام خطر ایراد صدمه، محتاط‌تر رفتار کرده و ضوابط و معیارهایی را برای سنجش خطر صدمه در نظر گرفت. دوم آنکه تلاش گردد تا به جای تمرکز بر مجازات مرتکبان این دسته جرایم، بر ترمیمی بودن پاسخ‌ها و مداخلات قانونی تأکید گردد. از این جهت، یکی از مجازات‌های رایج در این گونه جرایم، محکومیت به پرداخت جزای نقدی است که غالباً به تصریح قوانین متعدد این حوزه مانند ماده‌ی ۳۰ قانون شکار و صید، در آمد حاصل از آن نیز به شیوه‌ای ترمیمی صرف حفاظت از محیط زیست می‌گردد.

در الگوی خطر آفرینی انتزاعی، نیازی نیست تا رفتار شخص، محیط زیست را به واقع تحت تأثیر قرار داده و به آن صدمه بزند، بلکه رفتاری جرم‌انگاری می‌گردد که ارزش مورد حمایت قانونگذار، یعنی محیط زیست را به خطر بیندازد. در این الگوی جرم‌انگاری، وقوع ضرر و صدمه‌ی بالفعل، ملاک و ضابطه‌ی قانونگذار برای ممنوع دانستن رفتار شهروندان نیست؛ بلکه نقض مقررات و قوانین اداری یا محدوده‌ی مجازی که به موجب پروانه‌ها و مجوزهای اعطا شده مشخص گردیده، جرم‌انگاری شده است. آنچه در این شیوه، جرم‌انگاری شده نه ضرر بلکه خطر ایراد ضرر است که معمولاً میزان و احتمال آن توسط کارشناسان فنی و مقامات اجرایی تعیین می‌شود و لذا در مواد مربوط به این دسته جرایم عباراتی نظیر «بدون اخذ مجوز، بدون کسب پروانه، تخلف از شرایط پروانه، عدم رعایت ترتیبات پیش‌بینی شده و ...» به دفعات مشاهده می‌شود. در حقیقت در این شیوه، صرف سرپیچی از دستورها یا نقض مقررات و اقدام خارج از مجوز و پروانه، فارغ از آنکه در عالم خارج، تهدید یا خطری را ایجاد کرده باشد یا خیر، جرم‌انگاری گردیده و به سخن دیگر، قانونگذار، در خطر آفرینی انتزاعی، وجود خطر ایراد ضرر را اعتبار کرده و مفروض دانسته است؛ این در حالی است که در جرم‌انگاری بر مبنای خطر آفرینی واقعی، علیرغم عدم نیاز به احراز و اثبات ضرر، قانونگذار زمانی نیاز به مداخله را احساس می‌کند که در اثر رفتار غیرمجاز ارتکاب یافته، خطری محقق شده است و صرف رفتار ممنوعه، تهدیدی آشکار علیه محیط زیست به شمار می‌آید. برای نمونه ماده‌ی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هرگونه فعالیتی از قبیل آلوده کردن آب یا توزیع آب آشامیدنی آلوده یا ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها را جرم‌انگاری کرده است.

لازم به ذکر است که با وجود اشاره به الگوهای جرم‌انگاری نامبرده، از آن جا که یکی از مشخصات بارز جهان کنونی، عدم قطعیت به معنای عدم پیش‌بینی خطرهای احتمالی و آتی است، این احتمال وجود دارد که قانونگذار در انشای برخی قوانین و مقررات کیفری به سمت و سویی حرکت کند که به گونه‌ای مبهم با هیچ یک از الگوهای ذکر شده تطابق نداشته باشد، بلکه تنها تلاشی برای ایجاد وضعیتی باشد که شمول حداکثری خطرهای احتمالی و آتی ناشناخته را در پی داشته باشد، امری که با توجه به مغایرت آن با اصل

مبنای جرم‌انگاری جرایم زیست محیطی در ایران با تأکید ... | بیات و صیقل | ۱۱۱

کیفی بودن جرم و مجازات (لزوم دقیق، صریح و قابل پیش‌بینی بودن قوانین)، باید در این مسیر به شدت محتاطانه رفتار شود و به موارد حداقلی مداخله‌ی کیفی اکتفا گردد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Shirin Bayat

 <https://orcid.org/0009-0003-8264-9312>

Yazdan Seighal

 <https://orcid.org/0009-0000-0775-2051>

منابع

- 0 بیات، شیرین و لطفعلی‌زاده، الهه، ۱۴۰۲، مختصر جرم‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دادبانان دانا.
- 0 رهامی، روح‌الله، ۱۳۹۳، امنیت انسانی و دولت، چاپ اول، تهران، میزان.
- 0 مشهدی، علی، ۱۳۹۲، حق بر محیط زیست سالم، چاپ اول، تهران، میزان.
- 0 میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۲، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، ۱۳۹۲، چاپ سی و پنجم، تهران، نشر میزان.
- 0 جعفری، امین، ۱۳۹۴، «عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری زیست‌محیطی»، فصلنامه اخلاق زیستی، دوره ۵، ش ۱۵.
- 0 شاملو، باقر، احمدی، اصغر و خسرو شاهی، قدرت‌الله، ۱۳۹۶، «بزه‌دیدة شناسی سبز: با تأکید بر سیاست کیفی ایران»، پژوهش حقوق کیفی، دوره ۶، ش ۲۰.
- 0 صیقل، یزدان، ایرانی، امیر، ۱۴۰۰، «بایسته‌های بنیادین وصف‌گذاری به‌خطراندازی احتمالی رفتار در حقوق کیفی»، پژوهش حقوق کیفی، ش ۳۷.
- 0 غلامی، حسین، ۱۳۹۱، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، پژوهش حقوق کیفی، دوره ۱، ش ۲.

- 0 فتاح، عزت، ۱۳۷۷، «جرم شناسی و جرم شناسی آینده»، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، نامه مفید، ش ۱۴.
- 0 نظری، علی اشرف، ۱۳۹۱، «بازشناسی مفاهیم آزادی مثبت و منفی: رویکردی انتقادی»، فصلنامه سیاست، ش ۱.
- 0 صیقل، یزدان، ۱۳۹۷، مطالعه حقوقی-جرم شناختی جرم در جامعه مخاطره آمیز، رساله دکترا، دانشگاه شهید بهشتی.
- 0 محموی جانکی، فیروز، ۱۳۸۲، مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، رساله دکترا، دانشگاه تهران.

References

- 0 Ashworth, Andrew, 1999, Principles of Criminal Law, Oxford University Press.
- 0 Dennis J. Baker, 2009, Collective Criminalization and the Constitutional Right to Endanger Others, Criminal Justice Ethics, Vol 28, No 2.
- 0 Feinberg, Joel, Environmental Pollution & the Threshold of Harm, the Hasting Center Report, Vol 14, No. 3, 1984, p28.
- 0 Holtug, Nils, 2002, The Harm Principle, Ethical Theory and Moral Practice, Vol. 5, No
- 0 O'Malley, P, 2004, Risk, Uncertainty and Government, London: The Glass House Press.

Translated References into English

- 0 Bayat, Shirin and Lotfalizadeh, Elahe, Brief Criminology, 4th edition, Tehran, Dadbanan Dana Publication, 2024. [In Persian]

- 0 Rahami, Ruhollah, Human security and government, 1st edition, Tehran, Mizan, 2013. [In Persian]

- 0 Mashhadi, Ali, Right to a healthy environment, 1st edition, Tehran, Mizan, ۲۰۱۳. [In Persian]

- 0 Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, Crimes against public security and peace, 2012, 35th edition, Tehran, Mizan Publication, 2012. [In Persian]

- 0 Jafari, Amin, "Populism in the field of environmental policy", Ethology Quarterly, 2014, Volume 5, No 15. [In Persian]

- 0 Shamlou, Baqer, Ahmadi, Asghar and Khosrowshahi, Qadratullah, "Green victimology: with an emphasis on Iran's criminal policy", Criminal Law Research, 2016, Volume 6, No 20. [In Persian]

- 0 Seyghal, Yazdan, Irani, Amir, "The basic requirements of defining the potential endangerment of behavior in criminal law", Criminal Law Research, 2021, No 37. [In Persian]

- 0 Gholami, Hossein, "The principle of minimum criminal law", Criminal Law Research, 2013, Vol 1, No 2. [In Persian]

- 0 Fattah, Ezzat, "Criminology and Criminology of the Future", translated by Ismail Rahiminejad, Mofid, 1998, No. 14. [In Persian]

- 0 Nazari, Ali Ashraf, 2013, "Recognizing the concepts of positive and negative freedom: a critical approach", Political Quarterly, 2013, Vol 1. [In Persian]
- 0 Seyghal, Yazdan, legal-criminological study of crime in risk society, PhD thesis, Shahid Beheshti University, 2017. [In Persian]
- 0 Mahmoudi Janaki, Firouz, 2012, Basics, Principles and Methods of Criminalization, PhD Thesis, University of Tehran, 2012. [In Persian]



#استناد به این مقاله: بیات، شیرین و صیقل، یزدان. (۱۴۰۳). مبنای جرم‌انگاری جرایم زیست محیطی در ایران با تأکید بر اصل ضرر و تحولات آن. پژوهش حقوق کیفری، (۴۷) ۱۲، ۸۳-۱۱۴.

Doi: 10.22054/jclr.2025.79758.2671



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.